

اعتراف دردناک پس از چندین دهه؛

مدرسه پادگان نیست!

وزیر آموزش و پرورش همین دیروز اعلام کرد مدارس ما پادگان نیست! بالاخره یکی پیدا شد که به فریاد کارشناسان و والدینی برسد که سال هاست از سیستم پادگانی میزان فزاینده خشونت در مدارس، می نالند و نسبت به آن اعتراض دارند. بطحائی با اعتراف به نقاط ضعف تربیتی و آموزشی در مدارس گفت: «۱۰ سال پیش برای باز دیده کشوری که از حیث فرهنگ تمدن و زیربنای حکومتی و اقتصادی کیلومترها از ماقب تر است رفته بودم. دانش آموزان آن هادر مدرسه زنده بودند زندگی می کردند و شور و اشتیاق در کلاس درس موج می زد. نمره ما از این جهت خوب نیست.»



آذر فخری، روزنامه نگار

آدمی درمی ماند این همه خشونت چگونه در درون یک «آموزگار» تلنبار شده و چرا او به عنوان یک مسئول آموزشی و تربیتی، نمی تواند خشم خود را کنترل کند.

یک کشف تازه!

وزیر آموزش و پرورش همین دیروز اعلام کرد مدارس ما پادگان نیست! باور کنید بالاخره یکی پیدا شد که به فریاد کارشناسان و والدینی برسد که سال هاست از سیستم پادگانی و نظام جمع و صبح گاه و میزان فزاینده خشونت در مدارس، می نالند و نسبت به آن اعتراض دارند. سیدمحمد بطحائی با اعتراف به نقاط ضعف تربیتی و آموزشی در مدارس، می گوید: «تمی توانیم نمره ۱۰ سال پیش برای باز دید به کشوری که از حیث فرهنگ، تمدن و زیربنای حکومتی و اقتصادی کیلومترها از ماقب تر است رفته بودم. دانش آموزان آن ها در مدرسه زنده بودند، زندگی می کردند و شور و اشتیاق در کلاس درس موج می زد. نمره ما از این جهت خوب نیست.» وزیر می پرسد: «چه های ما امروز چه قدر نیاز دارند مدل های حد در تابع یا فرمول های شیمیایی را بداندند و چه قدر می توانند اگر به کار نادرستی دعوت شدند، «نه» بگویند؟» وزیر اذعان دارد که: «با نشاط سازی مدارس، کار بسیار سختی است و بایک دستورالعمل و پخشنامه انجام نمی شود. تا مدارس به این نقطه برسند مسیر سختی پیش رو داریم. نظام آموزش

و پرورش ما با انحراف ها و خطاهایی مواجه شده و ریشه بسیاری آسیب ها در سطح جامعه به غفلت در مدرسه برمی گردد؛ گاهی نخواستیم و گاهی نتوانستیم! اما باید مدارس را به سمت مطلوب هدایت کنیم، ولو شده یک قدم به جلو برویم. ما زندگی کردن، صبوری و مسئولیت پذیری را با دانش آموز در مدارس کار نمی کنیم چون وقت و زمان کافی برای آن نداریم. بطحائی معترف است: «هناسفاله گاهی اوقات با رفتارهای سختگیرانه، تمام احساسات کودکانه را در وجود دانش آموزان مان می کشیم. در هیچ کجای دنیا این کار را نمی کنند. مدرسه که پادگان نیست.»

مدرسه از دانش آموز عقب تر است!

دانش آموزان ما امروز در وضعیتی قرار دارند که نسبت به تکنولوژی های روز و طبعاً نسبت به مسائل هنری و فرهنگی و اجتماعی مربوط یا نامربوط به خود، توانایی ها و اطلاعات بیشتری دارند و همین توانایی و اطلاع داشتن به آنان اعتماد به نفس و جسارت خاصی می دهد؛ زیرا می بینند در همین چند زمینه خاص هم والدین شان و هم آموزگاران و متولیان مدرسه شان، از آن ها خیلی عقب مانده اند. به همین دلیل است که وقتی دانش آموزی از سوی معلمش تنبیه شده و به حیاط مدرسه فرستاده می شود، با گوشی همراهش به پلیس ۱۱۰ اطلاع می دهد از سوی معلمش مورد ضرب و شتم قرار گرفته و اعلام دعوی می کند اگر بالاخره

بطحائی معترف است که متأسفانه گاهی اوقات با رفتارهای سختگیرانه، تمام احساسات کودکانه را در وجود دانش آموزان مان می کشیم، در هیچ کجای دنیا این کار را نمی کنند، مدرسه که پادگان نیست

مقام بر به این آگاهی رسیده که مدرسه پادگان نیست و نباید در آن چنین و چنان سخت گیری ها و ضبط و ربط های سفت و سختی صورت بگیرد، باید حواسش به موارد این چنینی نیز باشد. مدرسه و «نظام» آموزشی ما آن قدر عقب است که هنوز تاملت ها باید یک نفس بدود تا به دانش آموزان خود برسد! فریباً عدلی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا نیز چنین معتقد است: نظام آموزشی از یادگیری باز مانده است. یادگیری و مدیریت آن طور که باید باشد نیست، بیش از ۲۰ مهارت برای مدیر در مدرسه و مقاطع مختلف تعریف شده است، مدیران ما کجا تعلیم دیده اند؟ مدرک مدیران ما متفاوت از عمل آن ها است، بایاید بگویم تحصیلات احمیتی ندارد اگر فرض تحصیلات و تخصص را قبول کردیم باید آن را رعایت کنیم نظام آموزشی ما نظام یادگیرنده نیست از تغییرات باز مانده است. من معتقدم آموزش و پرورش ما روح اداری دارد. یعنی اداره کردن آن مهم تر از آموزش و

یادگیری است، باید به گزینش نیروی انسانی دقت شود، که چه کسی باید معلم یا مدیر بشود؟ مدیریت فرآیند حرفه ای شدن را طی نکرده است، چون مدیر، باید مدیر تربیت شونده زاده نمی داند، که چرا از دروس مدیریت آموزشی که آموزش می دهیم استفاده نمی کنیم، چرا نهاد آموزش و پرورش به دور خود حصار کشیده است و از تقدشدن می ترسد؟» عدلی در مورد مقاومت عجیب آموزش و پرورش ما در مواجهه با تغییرات نوین جهانی می گوید: «نظام آموزش و پرورش مادر سال ۲۰۱۵ در میان ۷۰ کشور تبه ۵۲ را داشت، جهان تغییر می کند اما مادر برابر این تغییرات مقاومت می کنیم، برای من عجیب است که چرا آموزش و پرورش این قدر مقاومت می کند، ظرفیت بسیاری از کارها را دارد اما انجام نمی دهد، اگر مدیر تربیت شده به کار بگیریم؛ اگر واقعا یافته ها را قبول کنیم باید همین یافته ها ملاک عمل ما باشد، اما در آموزش و پرورش مقاومت وجود دارد. در جامعه هم البته یکسری جریان های وجود دارد که به خشونت دامن می زند، اما باید پرسید نقش نظام آموزش و پرورش در این میان چیست؟» عدلی شرح می دهد آموزش و پرورش متولی آموزش در چهار زمینه خاص است، آموزش برای «دانشستن» آموزش برای «عمل کردن»، آموزش برای «زیستن» و آموزش برای «بام» زیستن». در نظام آموزش و پرورش ما کدام یک از این چهار عنصر زیست فردی و اجتماعی به دانش آموز که بماند، به معلم و مدیر یاد داده شده است و از آنان در این زمینه بازخواست می شود؟

زمینه های بروز خشونت در مدارس

علیرضا شریفی یزدی، جامعه شناس و عضو پژوهشگاه خانواده می گوید: بر خسی خشونت ها تحت عنوان خشونت های عریان در جامعه ملموس است. وقتی فحاشی، ضرب و شتم بی احترامی، بی قانونی و... در سطح جامعه فراگیر می شود به طور قطع در خانواده و نظام آموزشی تأثیر منفی می گذارد زیرا از نگاه افراد درون جامعه خشونت به امری عادی تبدیل می شود و مردم خود را مجاز می دانند در هر عرصه و جایگاهی واکنش های خشونت آمیز از خود نشان دهند و آن را یک شیوه تنبیهی می دانند. شریفی می گوید: اگر قرار است خشونت را در سطح دستگاه تعلیم و تربیت بررسی کنیم ابتدا باید این نکته مطرح شود که وقتی در جامعه به راحتی اعدام در ملاء عام و... صورت می گیرد مسلمان هر فردی حتی در نظام تعلیم و تربیت نتیجه می گیرد که می تواند در تربیت دانش آموزان از روش های تنبیهی سخت استفاده کند» شریفی چنین ادامه می دهد: «کنه قابل تامل دیگر این است که در سیستم

آموزش و پرورش، متولی آموزش برای «دانشستن»، آموزش برای «عمل کردن»، آموزش برای «زیستن» و آموزش برای «بام» زیستن» است. در نظام آموزشی ما کدام یک از این چهار عنصر به دانش آموز که بماند، به معلم و مدیر یاد داده شده است و از آنان در این زمینه بازخواست می شود؟

تعلیم و تربیت قانون جدی و صریحی برای معلمان خطی وجود ندارد. حتی در این زمینه به صورت اجرایی معلمان را مجازات نکرده ایم. وقتی در این زمینه قانونی به تصویب نرسیده است به طور قطع آن دسته از معلمانی که به لحاظ روحی ظرفیت تحمل دانش آموزان را ندارند به راحتی مرتکب این امر نا پسند می شوند.

به گفته شریفی یزدی، مدارس ما هنوز استانداردهای لازم را ندارند. مثلاً یکی از موارد استاندارد سازی این است که حد نصاب یک کلاس بین ۱۸ تا ۲۲ دانش آموز باشد، اما در برخی مدارس کلاس های ۴۵ نفره هم داریم و طبیعی است که چنین ازدحامی زمینه خشونت معلمان را در اداره کلاس درس به وجود می آورد. این استاد دانشگاه تصریح می کند: «بالا رفتن تعداد دانش آموزان یک کلاس به طور طبیعی فشار روانی که بر معلم وارد می شود، زیاد و آستانه تحملش پایین می آید. بنابراین شاهد رفتارهای ناهنجار اخلاقی و غیرعلمی هستیم.» شریفی یزدی به تبعات منفی اجتماعی و روانی دانش آموزانی که مورد تنبیه بدنی واقع می شوند اشاره می کند: «دانش آموزانی که از سوی معلمان در مدارس مورد خشونت قرار می گیرند عقده های روانی در آن ها شکل می گیرد و آثار این حس حقارت را در جامعه بروز خواهند داد و از جامعه انتقام خواهند گرفت. اصولاً خشونت تولید کننده رفتارهای ناپسند دیگری است که در جامعه به شکل رفتارهای خشن بروز پیدا می کند.» این جامعه شناس تأکید می کند: «ریشه بروز اختلالی مثل وندالیسم و جامعه ستیزی را باید در خشونت های دوران کودکی افراد جستجو کرد؛ این افراد در بزرگسالی باور و به جامعه، اموال عمومی را تخریب می کنند و انتقام جویی برای آن ها به شکل یک تفریح و لذت می شود که حال شان را خوب می کند. مطالعات در زمینه اختلال وندالیسم بیانگر این مهم است که وندالیستی ناشی از باز تولید خشونت هایی است که ایستگاه اولیه اش مدرسه است!

از گوشه و کنار

۱۳ سال هم برای «ازدواج» و هم رأی دادن خوب است!



معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور در خصوص لایحه مربوط به کودک همسری و رد این لایحه در کمیسیون قضایی اعلام کرد: امیدوارم مجلس بازنگری کند، این یک موضوع بسیار مهم و مطالبه عمومی است، در آماری که امروز براساس مطالعات مراکز مختلف داریم میزان طلاق و دیگر آسیب هادر کودک همسری می تواند افزایش پیدا کند، بنابراین باید با دقت بیشتر از طرف مجلس مورد بازنگری قرار گیرد. امیدوارم با توجه به واقعیت های جامعه در مورد آن تصمیم بگیریم، مادر معاونت امور زنان و خانواده پیگیر هستیم. معصومه ابتکار ادامه داد: در نقاط حاشیه ای ممکن است در صد آن بیشتر شود و به همین دلیل نگرانی زیادی می تواند وجود داشته باشد. ازدواج یک مرحله مهم و لازم است فردی که وارد آن می شود هم آمادگی و هم بلوغ لازم را داشته باشد، وقتی فردی در سنین پایین حق بهره مندی از بسیاری حقوق را ندارد سخت است که اجازه دهیم وارد ازدواجی شود که می تواند تبعات زیادی داشته باشد. معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده در خصوص رد لایحه مربوط به کودک همسری در کمیسیون قضایی مجلس گفت: اگر سن ۱۳ سال برای ازدواج خوب است پس همه قوانین دیگر هم بر روی همین سن آورده شود تا کودکان ۱۳ ساله بتوانند رأی دهند، گواهینامه بگیرند و درخواست طلاق دهند.



بودجه «بیماران خاص» کاهش یافت

رئیس مرکز مدیریت پیوند و درمان بیماری های وزارت بهداشت ضمن انتقاد از کاهش اعتبار ردیف بودجه ای بیماران خاص در لایحه بودجه سال ۹۸ گفت: کاهش اعتبارات مربوط به بیماران خاص در بودجه سال ۹۸ یک زنگ خطر است؛ زیرا هزینه ها افزایش یافته و مشکلات ارزی در کشور وجود دارد. مهدی شادنوش، با انتقاد از کاهش اعتبار ردیف بودجه ای بیماران خاص در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، گفت: متأسفانه امسال اعتبار مربوط به ردیف بودجه ای بیماران خاص در لایحه بودجه دولت کاهش پیدا کرده است؛ به طوریکه در سال ۱۳۹۶ میزان بودجه بیماران خاص ۲۳۴ میلیارد تومان بود، اما در سال ۱۳۹۷ این اعتبار به ۲۱۶ میلیارد تومان رسید و اکنون در لایحه بودجه دولت برای سال آینده این ردیف به ۱۵۰ میلیارد تومان کاهش پیدا کرده است. یعنی بیش از ۸۰ میلیارد تومان کاهش در اعتبارات مربوط به بیماران خاص شاهدیم.

رئیس مرکز مدیریت پیوند و درمان بیماری های وزارت بهداشت با بیان این که امیدواریم این ردیف بودجه ای در مجلس شورای اسلامی اصلاح شود اظهار کرد: این بودجه در سال ۱۳۹۶ هزینه سه نوع بیماری را که از گذشته خاص محسوب می شدند شامل می شد. این در حالیست که در سال ۹۷ چهار بیماری دیگر نیز به لیست بیماری های خاص اضافه شد، اما حالا می بینیم که بودجه مربوط به این بیماران خاص کاهش یافته است.



انتقاد از واحدهایی که قانون هوای پاک را دور می زند

رئیس اداره محیط زیست شهر تهران با اشاره به این که برخی واحدهای صنعتی و خدماتی قانون ۱۰ درصد فضای سبز را رعایت نمی کنند گفت: سال گذشته بیش از ۳۹۰ واحد در این بارهخطار به دریافت کردند. محمدحسین بازگیر با انتقاد از این که برخی از واحدهای صنعتی و خدماتی استان تهران به ماده ۱۵ قانون هوای پاک عمل نمی کنند، اظهار کرد: بر اساس این ماده شهرک ها، مراکز و واحدهای صنعتی و تولیدی مکلف هستند که برحسب اقلیم حداقل ۱۰ درصد از فضای تخصیص داده شده جهت احداث واحد مربوطه را به ایجاد فضای سبز مشجرو غرس درختان مناسب منطقه اختصاص دهند همچنین بهره برداری از این واحدها مشروط به رعایت این ماده و تأیید آن از سوی سازمان حفاظت محیط زیست است.

وی با اشاره به این که اداره محیط زیست شهر تهران به طور مستمر این موضوع را پیگیری می کند، تصریح کرد: اگر واحدهای تولیدی یا صنعتی این ماده قانونی را رعایت نکرده باشند برای آن ها خطاریه های زیست محیطی صادر می شود.

یادداشت

جکی چان؛ اتوبوس مرگ و تکنیک گوشت قربانی

مجتبی لشکر بلوکی

در چند روز گذشته دو اتفاق افتاد که سروصدا به پا کرد. اولی، پخش فیلمی از «جکی چان» در شبکه کیش آن هم بدون سانسور بود که سوزه داغی شد و مبتنی بر اخبار رسیده، کارمندان مقصر در این ماجرا اخراج شدند، رئیس صداوسیما، هم سریع رئیس مرکز کیش را اخراج کرد. این ماجرا در شبکه های اجتماعی، سروصدای زیادی به پا کرد و طبق پیش بینی برخی نیز به صفحه این بازیگر معروف رفته و برایش کامنت های خاص گذاشتند. دومی اما حاد های دلخراش بود که همه ما را متأثر کرد: اتوبوس مرگ در دانشگاه آزاد خواسته عمومی آن است که مدیران دانشگاه آزاد را هم اخراج کنند. راستش را بخواهید زمانی که یک مساله پیش می آید، و عواطف عمومی جریحه دار

می شود، بهترین راه آن است که از تکنیک گوشت قربانی استفاده کنیم. تکنیک گوشت قربانی به زبان ساده این است که به سرعت برگردیم نزدیک ترین فرد.

به این ماجرا را پیدا کرده و قاطعانه وی را مجازات کنیم. بر کناری، داد گاه، زندان و... تکنیک گوشت قربانی سه مولفه دارد: نزدیک ترین فرد سریع ترین واکنش و قاطعانه ترین برخورد. این فرمول معجزه می کند! این گونه مدیران بالادستی تظہیر می شوند. افکار عمومی نیز آرامش می گیرد و دوباره برمی گردیم به خانه های مان تا فاجعه بعدی! تکنیک گوشت قربانی دو ایراد اصلی دارد: اولاً این که متمرکز است روی افراد (و نه لایه های زیرین). فرض کنید که شما مدیر یک بخش را بر کنار کردید، چه دلیلی وجود دارد که مدیر بعدی

همان اشتباه را تکرار نکند؟ دوماً این که این کار غیر اخلاقی است که بدون بررسی عمیق و صرفاً به خاطر آرامش افکار عمومی یک فرد متهم، و گناهکار شناخته شود. فرض کنید که شما آن مدیر باشید، متصفانه می دانید که بدون بررسی و سرعاً شماعزل شوید؟!

تجویز راهبردی

در مواقعی که مشکلی پیش می آید از جمله تلاطمات نرخ ارز، سسکه، کمبود برخی کالاها کشته شدن انسان ها در تصادف بین دو قطار و یا فساد مالی، کشتی سانچی و یا آتش سوزی پلاسکو و... سه گام بر باید برداشته شود: ۱- بالاترین مقام مسئول، یک موضع گیری رسمی انجام دهد و دو نکته را شفاف کند. اولاً این که رسماً عذر خواهی صورت بگیرد (که من در طول تاریخی که رسانه ها

را پیگیری می کنم به اندازه انگلستان دو دست عذر خواهی از مسئولین ندیدام) و دوماً این که یک تاریخ قطعی و مشخص بدهد که کمیته حقیقت یاب، نتایج کار را بررسی می کند و به صورت عمومی اعلان می کند. ۲- راس تاریخ مشخص شده، کمیته حقیقت یاب، موظف شود گزارشی رسمی، شفاف، مکتوب و همگانی در این زمینه ارائه کند. ۳- تلاطم از روسکه، علت تصادف دو قطار و یا آتش سوزی سانچی هر چیزی که مساله است باید شکافته و تحلیل شود. بدترین کار این است که پرونده ها در ذهن مردم باز بمانند که متأسفانه چنین اتفاقی می افتد و پرونده هایی که باز می مانند روز به روز مثل خوره، اعتماد مردم را می خورند. این بی اعتمادی بی دلیل نیست. مبتنی بر کمیته حقیقت یاب، در مورد افراد مسئول تصمیم گیری شود. گاهی لازم است همان بالاترین مقام مسئول استفاده دونه این که مدیر زبردستش را مجبور به استعفا کند. ۲-۳ اگر واقعا دل مان برای مملکت می سوزد، شجاعانه تمام

داده های جمع آوری شده در اختیار پژوهشگران قرار گیر تا این هزینه مادی- روانی که به جامعه تحمیل شده، مانع از بروز اشتباهات مجدد شود و یادگیری ملی شکل بگیرد. شما کدام فاجعه یا اشتباه یا خطای ملی را سراغ دارید که اطلاعات آن افشا شده باشد. تا بتوانیم آن را تحلیل کنیم و لایه های زیرین و ساختارها را درست کنیم؟ به همین دلیل هم هست که اشتباهات تکرار می شوند. ملتی که زیاد اشتباه کند، ممکن است زنده بماند، ملتی که برخی اشتباهاتش را تکرار کند خسارت زیادی می پردازد. اما ملتی که اشتباهاتش را زیاد تکرار کند، قطعاً شکست خواهد خورد و عقب خواهد ماند. تلاش کنیم در دام تکنیک گوشت قربانی نیافتیم. ما نمی توانیم اشتباه نکنیم، اما می توانیم، هر اشتباه را به یک اهرم پیشرفت تبدیل کنیم به شرط آن که جسارت عذر خواهی جرات افشای اطلاعات و شجاعت مقاومت در برابر واکنش سریع و هیجان کور را داشته باشیم و عقلایی تحلیل کنیم و تصمیم بگیریم.